

متن پرسش

سلام علیکم: خدا قوت. استاد نمودم اینا درد دل هست یا انتقاد. به هر حال دوست دارم با شخص شما مطرح کنم. تا ان شاءالله فرجی بشه. استاد گرامی بنده حدود سه سال است که با افکار شما آشنا شدم که از این بابت خدا را بسیار شاکرم. بیشترین چیزی که در شخصیت شما من را جذب کرد. تواضع و خوش خلقی شما بود. اما استاد متأسفانه این تواضع و خونگرمی و گشاده رویی را در بعضی از شاگردهاتون ندیدم. اولین باری که به مدرسه حضرت خدیجه (س) اوادم حس می کردم باید بوی بهشت را استشمام کنم چون تفکر دینی در اونجا وجود داشت اما متأسفانه بوی غریبگی به مشام خورد. هیچ کس با گشاده رویی از من تازه وارد استقبال نکرد تا من جذب شوم. حس کردم بچه ها نمیخان کسی را به جمع خودشون جذب کنن و حتی با برخوردهای سردشون دور خودشون حصار کشیده بودن. در صورتیکه در همون ایام دقیقا در جو ادبی و مذهبی تازه وارد شده بودم (زیاد ادعای مذهب و دینشون نمی شد اما فوق العاده گرم من را در جمعشون پذیرفتند و همه را جذب خوش خلقیشون می کردند. همشون پیشتاز در سلام کردن بودند. روی گشاده و تواضع درشون موج می زد. حقیقتش خشکی رفتاری (البته منظورم در برخورد اول) را در بقیه مراکز مذهبی هم می بینم. مثلا در بسیج. یا در بین بقیه افراد که به مذهبی شناخته میشن. مثلا دو سال پیش با جمعی از دختران محجبه بسیجی به تهران رفتیم برای بازدید از خانه امام و... وقتی از ترمینال جنوب توی مترو نشستیم مترو خالی بود و همه مون تونستیم که بشینیم. در ایستگاههای بعدی خانم های بد حجاب هم سوار میشدن متأسفانه پچ های محجبه ها زیر چادر شروع شد خنده های یواشکی و تمسخر و اشاره به بدحجابها. هیچ کدوم از چادریها نخواستن جذبی اتفاق بیفته. (در صورتیکه رهبر انقلاب خیلی به جذب قشر خاکستری اصرار دارند.) هیچ کسی از روی صندلیش پا نشد که مثلا زن بدحجابی که معلوم بود خیلی خسته است جاش بشینه. البته خودم این کار را کردم تا شاید کمی تصورشون از چادری ها مثبت بشه. من دوستان بد حجاب زیادی دارم. بدحجاب اما با دل های پاک و معصوم. میگن که چرا چادری ها فکر می کنید فقط خدا مال اونهاست. چرا فکر می کنند و یا جوری برخورد می کنند که انگار اونا بهشتی اند و ما جهنمی. خیلی دوست دارم یکی از دوستانم را همراه خودم به جلسات کتابخونه مرکزی بیارم اما از نگاه بد بهش می ترسم. می ترسم پیام ثواب کنم کباب بشه. به یکی از فرماندهان بسیج گفتم چرا شما فقط چادری ها و بسیجی ها را به مراکز مذهبی خانه امام و... می یارید. چرا جوری برخورد جذاب نداشتید که بدحجابها هم جذب دین بشند. گفت اونا اینجور جاها نمیان! یعنی فقط ما دنبال حقیقتیم؟ البته خدا رو شکر توی اردوی راهیان جنوب داره این اتفاق می افته که خیلی

خوشحالم. استاد چرا نباید دیوار مدرسه حضرت خدیجه کبری (س) مزین به اشعار زیبای حافظ با خط خوش باشه تا تاره واردها را بیشتر جذب کنه. یا دوسه تا گلدان و گل طبیعی توی راهرو و کلاسها باشه (شایدم باشه ولی من چند باری اومدم ندیدم). استاد یک بار برای یک مساله ای به دفتر یا همونجای که کتابخونه مدرسه هست گذرم افتاد واقعا دافعه داشت برام. میز پر از خاک. لیوانهای نصفه چایی. کاغذهای پر و پخش روی میز. بدتر از همه من که عاشق کتاب هستم و از دیدن یه کتابخونه بخصوص کتابهای مرجع و مذهبی به وجد میام، این بار فقط غصه خورم مثلا سراغ کتاب اصول کافی رفتم و می خواستم پر بکشم اما جلد پر از خاکش پر پروازم را شکوند. خلاصه اینکه کاش همه مذهبی ها مثل شهید آوینی و سایر شهدا جذاب بودند. تا این همه مردم خاکستری جذب ظواهر جذاب باطل نمی شدند. و این قدر غصه نمی خوردم که چرا یک نامزد انقلابی مومن نتونست آرای حداکثری جذب کنه و مجبوریم دوباره دولت اسلامی را دست ناهلش بسپاریم. من حس می کنم قشر مذهبی کوتاهی می کنند. حس می کنم خیلی جدی تر، هنرمندانه تر و سریع تر باید سرباز مهدوی جذب کنیم. خسته ام از غیبت حضرت مهدی (عج)، به امید فرج حضرتش. خدا به عمر شما و راه شما برکت عنایت کند. عاقبتتان بخیر و سایه تان بر سر ما مستدام.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که می دانید بالاخره شیطان قسم خورده در صراطی که به خدا ختم می شود، قرار گیرد و تا آن جا که ممکن است مانع سیر کسانی شود که در این مسیر هستند. از مواعی که شیطان در مقابل ما ایجاد می کند بدخلقی و عجب و بی انطباطی است که شما در امثال ما می بینید. امید است هرچه زودتر متوجه شویم اگر طالب آن هستیم که مسیر خود را به نتیجه برسانیم، از تلاش برای رفع چنین ضعف هایی کوتاهی نکنیم. آری! راه خدا بدون شیطان نیست. موفق باشید